

## اثر میانجی کیفیت حسابرس مستقل بر رابطه بین ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی

حمیدرضا خدادادی<sup>۱</sup>، محمدعلی طهماسبی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

### چکیده

هدف اصلی این تحقیق تاثیر ساختار مالکیت و همچنین اثر تعاملی کیفیت حسابرس مستقل بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. جامعه آماری تحقیق حاضر، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ بوده است. این نمونه‌ها شامل ۱۰۷ شرکت بود که دارای ویژگی‌های از قبیل در دسترس بودن داده‌ها، منشتر شدن صورت‌های مالی در سال‌های موردنظر توسط سازمان بورس اوراق بهادار و ... می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان داد بین اجتناب مالیاتی و ساختار مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی و معنی دار وجود دارد و کیفیت حسابرسی نیز موجب تشدید اثر ساختار مالکیت بر اجتناب مالیاتی می‌شود.

**کلمات کلیدی:** اجتناب مالیاتی، ساختار مالکیت، کیفیت حسابرسی

---

<sup>1</sup> دکتری تخصصی حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

<sup>2</sup> کارشناسی حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

## ۱- مقدمه

مالیات از جمله عوامل موثر بر تصمیمات و استراتژی‌های شرکت‌ها و تصمیم‌گیرندگان می‌باشد. مبانی نظری و شواهد تجربی مبین آن است که شرکت‌ها سعی در اتخاذ استراتژی‌هایی دارند که منجر به صرفه‌جویی در هزینه مالیات گردد (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۲).

در اکثر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تأمین می‌شود. سهم از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت است. در این میان، اجتناب و فرار مالیاتی در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه که برآورد شده است کمتر باشد. بنابراین، از جمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهش‌ها مورد توجه است، بحث اجتناب و فرار مالیاتی و عوامل موثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می‌شود. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است (دسای و همکاران، ۲۰۱۶). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است. بنابراین، از آنجایی که اجتناب مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳)، بنابراین، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تاثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها دارای اهمیت زیادی است.

اجتناب از پرداخت مالیات، به فعالیت غیر قانونی که موجب کاهش درآمدهای دولت که برای امور زیربنایی و خدمات رفاهی و عمومی نیاز است، مربوط نمی‌شود، از آنجایی که هزینه مالیات، سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، بسیاری از شرکت‌ها به میزان زیادی فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را با هدف کاهش درآمد مشمول مالیات‌شان به کار می‌برند (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰).

بحث اجتناب مالیاتی بیشتر بنظر می‌رسد در مورد شرکت‌های با جدایی مالکیت مطرح باشد، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک‌گریزی و یا انگیزه های درونی مثل وظیفه اجتماعی، کمتر، درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند (ظفر و همکاران، ۲۰۱۸)، ولی در شرکت‌ها به طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه های اضافی مورد انتظار برای آنها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند. بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسئله نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. بنابراین، یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیات مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک‌لینی، ۲۰۱۴). هانلون و همکاران (۲۰۱۰) نیز معتقدند مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. آنها معتقدند که وجود ماموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوء استفاده از منابع داخلی شرکت‌ها می‌شود. نکته دیگری که توسط دسای و همکاران مطرح شد این است که نحوه حاکمیت و رهبری شرکت‌ها بر روی سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیرگذار است. حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۴). گراهام<sup>۹</sup> (۲۰۱۵)، معتقد است که اجتناب مالیاتی، منافع نهایی سپر مالیاتی بهره را کاهش می‌دهد و ممکن است بر روی تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه تاثیرگذار باشد. از سوی دیگر، اگر اجتناب مالیاتی توسط مقامات مالیاتی تشخیص داده شود در این صورت، شرکت مجبور به پرداخت‌های اضافی و جریمه می‌شود که باعث کاهش جریان‌های نقدی ورودی و کاهش ثروت سهامداران می‌شود. (اتوود و همکاران، ۲۰۱۹).

اجتناب مالیاتی، پرداخت‌های صورت گرفته به مقامات دولتی را کاهش می‌دهد. اما جریان اطلاعات خاصی از شرکت‌ها را نیز محدود کرده که این امر موجب تشدید تضاد منافع بین

مدیران و سهامداران می‌شود. اگر سرمایه‌گذاران، اجتناب مالیاتی را به عنوان امکان انحراف از منافع شرکت تلقی کنند، تأثیر منفی بر ارزیابی آنها از سطح نگهداشت وجه نقد شرکت خواهد داشت (فروغی و محمدی، ۱۳۹۲). مطالعات قبلی حسابداری نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی، فعالیتی مخاطره آمیز است که شرکت‌ها با کاهش پرداخت مالیات در دوره جاری، ممکن است مجبور به پرداخت مالیات بیشتر و جرائم مالیاتی در آینده گردند (گوانتر و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین فعالیت‌های اجتناب مالیاتی با عدم قطعیت در پرداخت های آتی مالیات و جریمه‌ها و عدم قطعیت در مورد کل جریان نقدینگی همراه است. (دشتی، ۱۳۹۳).

مالکان نهادی در نظارت شرکت‌ها بر حقوق صاحبان سهام نگهداری شده توسط آنها نقش کلیدی دارند. مالکان (سهامداران) شرکت، حقوق متفاوتی دارند، از جمله این حقوق، انتخاب هیئت مدیره است که به عنوان نماینده برای نظارت بر عملکرد مدیران شرکت فعالیت می‌کنند. از سوی دیگر، سهامداران عمده در انتقال اطلاعات به سایر سهامداران نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. آنها می‌توانند اطلاعات خصوصی از مدیریت کسب کنند و اطلاعات را به دیگران انتقال دهند (آرمسترانک و همکاران، ۲۰۱۰).

به توجه به توضیح مختصری از عناصر اصلی پژوهش، این تحقیق با تکیه بر ادبیات نظری موجود در باب اجتناب مالیاتی و ساختار مالکیت و همچنین با استفاده از داده‌های شرکت‌های پذیرفته در بازار بورس اوراق بهادار تهران به بررسی اثر ساختار مالکیت بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد و این سوال را مطرح می‌کند که آیا کیفیت حسابرسی مستقل بر رابطه بین ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی اثر دارد؟

## ۲- مبانی نظری تحقیق:

### ۲-۱- فرار مالیاتی

فرار مالیاتی یک نو تقلب است که به طور خلاصه علیه یک نهاد اقتصاد دولتی صورت می‌گیرد. و دولت ساختار و سطح مالیات‌ها را تعیین و نحوی نظارت و ساز و کار لازم برای دریافت آن را در نظر می‌گیرد. فرار مالیاتی ریشه در عناصر اصلی درگیر در اقتصاد زیر زمینی دارد این عناصر را فرار مالیاتی می‌توان نامید (خدای پور و روستایی، ۱۳۹۲).

## ۲-۲- تعلق مالیاتی

منظور از تعلق واقعی مالیات این است که نهایتاً پرداخت کننده اصلی مالیات چه کسی است. مثلاً ممکن است که از یک قشر خاص مالیات اخذ شود ولی در واقع پرداخت کننده نهایی مالیات شخص دیگری باشد (دسای و دهارمپالا، ۲۰۰۹ ص ۷۰).

منظور از اجتناب مالیاتی اعمال یک سری راه حل ها و ترتیبات قانونی توسط افراد و بنگاه ها است که بر اساس آن میزان بدهی مالیاتی خود را به حداقل برسانند. مثلاً فرض کنید یک نفر در یک بنگاه دولتی مشغول به کار می شود که مالیات ۷ درصدی بر حقوق او تعلق می گیرد، وقتی ملاحظه می کند که در یک بنگاه بخش خصوصی نرخ مالیات ۵/۵ درصد است، تلاش می کند که در یک بنگاه بخش خصوصی برود. یا مثلاً تولیدات صنعتی مالیات بیشتری نسبت به تولیدات کشاورزی دارد، انسانی که بخواهد از پرداخت مالیات کمتری برخوردار گردد، ممکن است بخشی از فعالیت خود را مصروف کشاورزی دارد.

بنابراین تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار مؤدیان مربوط می شود، فرار مالیاتی، یک نوع تخلف از قانون است اما اجتناب از مالیات، یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است. وقتی که یک مؤدی مالیاتی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می شود، امتناع می کند، یک نوع عمل غیر رسمی انجام می دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه می دارد.

## ۲-۳- تعریف کیفیت حسابرسی

یکی از متداولترین تعریفها درباره کیفیت حسابرسی، تعریفی است که توسط دی آنجلو (۱۹۸۱) ارائه شده است. او کیفیت حسابرسی را این گونه تعریف کرده است: «ارزیابی (استنباط) بازار» از احتمال این که حسابرس، نخست موارد تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی یا سیستم حسابداری صاحب کار را کشف کند و دیگر اینکه تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش دهد.

## ۲-۴- عوامل موثر بر فرار مالیاتی

باید بپذیریم پرداخت مالیات با وجود تمام مزایایی که برای اقتصاد کشور به دنبال دارد هنوز به صورت یک فرهنگ پذیرفته شده نزد اقتصاد ایران در نیامده است و همین امر موجب می شود مالیات از دید بسیاری از مردم، کسبه و صاحبان بنگاه های اقتصادی، پولی باشد که دولت از دسترنج آنها می گیرد. بخش مهمی از این دیدگاه به ضعف فرهنگ مالیاتی در کشور باز می گردد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد، اما بخشی دیگر به ضعف های ساختاری نظام مالیاتی کشور باز می گردد که نتوانسته آن گونه که شایسته یک اقتصاد رو به پیشرفت است، بخش مالیات را تقویت کند. یکی از مهم ترین عواملی که می تواند زمینه ساز فرار مالیاتی شود، وجود نداشتن شفافیت در بخش های زیادی از اقتصاد ایران است که باعث می شود نتوان نظارت مشخصی بر درآمدهای این بخش داشت و به دنبال آن وصول مالیات از این بخش را نیز ناممکن می کند. از سوی دیگر به دلیل ساختار سنتی حاکم بر نظام مالیاتی کشورمان، بسیاری از فعالان اقتصادی همواره راه چانه زنی با مأموران مالیاتی را، یکی از بهترین گزینه ها در زمینه کاهش مالیات خود می دانند. در این زمینه استفاده از نظام الکترونیکی و کاهش دخالت عوامل انسانی یکی از مهم ترین برنامه هایی است که در چند سال اخیر به شدت از سوی دولت پیگیری شده است که اصل آن را می توان در واقعی شدن میزان مالیات پرداختی بسیاری از بنگاه ها دید (زهی و محمد خانی، ۱۳۸۹).

## ۲-۵- پدیده فرار مالیاتی و سیاستی که دولتها باید اتخاذ کنند

قانونگذاران مالیاتی معمول در پی ایجاد و فراهم کردن زمینه های تمیکنی داوطلبانه هستند. بنابراین پیش بینی جریمه برای فرار از مالیات در قوانین و تعقیب و اعمال جریمه برای مؤدیان متخلف هدف اصلی و نهایی نیست و تشویق مؤدیان به تمکین از قوانین مالیاتی زمانی امکان پذیر است که مدیریت حاکم بر سازمان مالیاتی نیز توانا باشد، مدیریتی که هدف آن کم هزینه کردن تمکین قوانین مالیاتی برای مؤدیان منصفانه بودن آن و تسهیل اجرای قوانین و آئین نامه های مالیاتی باشد. با این حال در کشورهایی که در آنها عدم تمکین مالیاتی دارای نرخ بالایی است توانایی مدیریت مالیاتی در اعمال جریمه های سنگینی می تواند راه مناسبی برای اجبار مؤدیان به پرداخت مالیات باشد. قوانین مالیاتی باید بتواند نقایص عمده ای را که مانع

تمکین و پرداخت مالیات می شود برطرف کند. این نقایص گوناگند ، اما می توان عمده ترین آنها را به چند گروه بزرگ دسته بندی کرد: مؤدیان ثبت نشده ، مؤدیانی که اظهار مالیاتی خود را تسلیم نکرده اند ، فراریان مالیاتی . مؤدیان ثبت نشده برای آگاهی مأمورین مالیاتی از ثبت یک مؤدی باید یک روش ثبت واحد و مطمئن و کارآمد اتخاذ نمود. شاید بتوان گفت اولین دلیل فرار از مالیات موانع و یا سختگیری های بیش از حد قوانین مالیاتی باشد. لذا ابتدا باید علل بروز این مشکل را در قوانین جستجو کرد. اما همواره علت این مشکل نقص قوانین مالیاتی نیست . بی شک در هر کشوری فعالیتهای سود جویانه می تواند یک دلیل مشخص و البته عمده و با درصد بالا را از دلایل فرار از قانون برشمرد. این امر نه تنها در مورد مالیات که در مورد سایر قوانین هم قابل توجه است جرم شناسان معتقدند به صفر رساندن آمار جرایم در جامعه امری محال است. به همین دلیل باید گفت میزانی از ارتکاب جرم در هر جامعه ای طبیعی است. این امر اجتناب ناپذیر را عمل گوناگونی توجیه می کند ( هانلون و هیترمن، ۲۰۱۰).

#### ۲-۶- پیشینه تحقیق

ریچاردسون و دیگران (۲۰۱۷) به این موضوع پرداختند که آیا مشوق های اعطایی به مدیران، باعث کاهش اجتناب مالیاتی می گردد. نتایج تحقیق آن ها نشان داد که موقعیت مالیاتی شرکت، تخصص مالیاتی مدیران و مشوق های پاداشی وابسته به عملکرد مدیران، به طور مثبت و قابل توجهی در تداعی با اجتناب مالیاتی می باشند.

فرانسیس و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریتی و اجتناب از مالیات به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و اجتناب از مالیات پرداختند. آنها برای اندازه گیری اجتناب از مالیاتی از دو معیار نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی استفاده کردند. در این پژوهش برای اندازه گیری توانایی مدیران از رویکرد دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. نتایج پژوهش آنها حاکی از این بوده است که مدیران توانایی اجتناب از مالیاتی کمتری دارند و توانایی مدیریت با اجتناب از مالیاتی رابطه منفی دارد.

کرون و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار هلند است. این پژوهش ۲۱۱ شرکت در بازه زمانی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ مورد آزمون قراردادده است. نتایج برآورد مدل رگرسیون تحقیق نشان می دهند که ضریب متغیر مستقل (درصد مالکیت سهامداران نهادی) در سطح خطای ۰.۵٪ معنادار بوده و رابطه مثبت و مستقیمی با اجتناب مالیاتی شرکت داشته است. در نتیجه میتوان ادعا نمود که با افزایش درصد مالکیت سهامداران نهادی اجتناب از پرداخت مالیات افزایش می یابد.

زهراوی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان اجتناب مالیاتی و اختلاف مالیاتی به بررسی ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار قاهره طی بازه زمانی ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۳ و به صورت مدل پنل نامتوازن و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که بین اجتناب مالیاتی و تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی و مالیات قطعی و ابرازی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این مطلب مبین آن است که دولت تمایل دارد مالیات بیشتری از شرکت هایی که اجتناب مالیاتی می نمایند اخذ نماید. پیش تر مشخص گردید که بین محافظه کاری و تفاوت مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد؛ یافته های این تحقیق و تحقیقات قبلی مبین آن است که محافظه کاری نسبت به اجتناب مالیاتی، ابزاری کاراتری برای صرفه جویی در هزینه مالیات شرکت ها می باشد.

آرمسترونک و همکاران (۲۰۱۵)، در تحقیقی با عنوان «حاکمیت شرکتی، تشویق و اجتناب مالیاتی» به بررسی ارتباط بین سیستم نظارتی و مدیریتی و تشویق و اجتناب مالیاتی شرکت ها پرداختند. نتایج نشان داد که هیچ رابطه بین مکانیسم های حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد. همچنین رابطه مثبت بین استقلال هیئت مدیره و پیچیدگی های مالی برای سطوح پایین از اجتناب مالیاتی و رابطه منفی برای سطح بالا از اجتناب مالیاتی وجود دارد.

گوانتر و همکاران (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان اجتناب مالیاتی و ریسک شرکت به این موضوع پرداخته اند که آیا تصمیمات مالیاتی بر ریسک شرکت تاثیر دارد و این که تا چه حد معیارهای تجربی اجتناب مالیاتی شرکت، منعکس کننده انتخاب مخاطره آمیز مالیات شرکت است. نتایج این تحقیق نشان داد که ریسک مالیاتی که، در نوسانات نرخ موثر مالیات نقدی



منعکس است با کل ریسک شرکت در آینده رابطه مثبت دارد. بنابراین ریسک مالیاتی در کل ریسک شرکت تاثیر دارد و نوسانات نرخ موثر مالیات نقدی، عدم قطعیت در نرخ مالیات را نشان می دهد. شواهد این تحقیق منعکس کننده ارتباط بین سطح نرخ موثر مالیات نقدی یا مزایای ثبت نشده مالیات با ریسک آتی شرکت نیست. همچنین نتایج این تحقیق، از نتایج تحقیقات اخیر را تایید نمی کند. تحقیقات اخیر نشان دادند که شرکت ها با نرخ موثر مالیات نقدی کم، موقعیت های مالیاتی با ریسک بالا یا درجه ای از عدم قطعیت در پرداختهای آتی مالیات را بر می گزینند.

خواجوی و کیامهر (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان مدل سازی اجتناب مالیاتی با استفاده از اطلاعات حسابداری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران؛ به مدل سازی اجتناب از پرداخت مالیات با استفاده از داده های حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. بدین منظور اطلاعات کلی شرکت ها در فاصله زمانی ده ساله ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۲ بررسی شده و ۴۹۰ سال شرکت انتخاب گردید و به مدل سازی اجتناب مالیاتی با استفاده از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان می دهد که حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است، به طوری که با افزایش سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی کاهش می یابد. همچنین حاکمیت شرکتی به طور غیرمستقیم (از طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی) بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است. سایر نتایج پژوهش نیز نشان می دهد کیفیت حسابرسی بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است به طوری که با افزایش کیفیت حسابرسی، اجتناب مالیاتی کاهش می یابد. همچنین کیفیت حسابرسی به طور غیرمستقیم (طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی) بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است.

فروغی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تأثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی به بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی می باشد. بدین منظور نمونه ای متشکل از ۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بین بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ استفاده شده است. در این پژوهش، معیار توانایی مدیریتی، بخشی از کارایی شرکت است که تحت تأثیر عوامل ذاتی شرکت قرار نمی گیرد و از طریق الگوی تحلیل پوششی داده ها محاسبه شده است.

همچنین میانگین مجموع وجه نقد پرداختی سه سال آتی تقسیم بر مجموع مالیات سه سال آتی به عنوان نماینده اجتناب مالیاتی در نظر گرفته شده است. در نهایت آزمون فرضیه پژوهش با استفاده از رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی انجام شده است. نتایج حاکی از وجود تأثیر منفی و معنادار توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی در طول دوره مورد مطالعه بوده است.

فاریابی و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان « بررسی ارتباط بین سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت و گریز از مالیات (شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)» این پرسش مطرح شد که آیا در سطح شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ارتباطی معنادار بین سطح افشای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت و گریز مالیاتی آن وجود دارد یا خیر. به این منظور، از داده‌های ۹۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۷-۱۳۹۰، رگرسیونی چندمتغیره و مدل اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی، استفاده شد. نتیجه آنها نشان داد که گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکتها نمی‌تواند نشانی از گریز یا عدم گریز مالیاتی آنان باشد.

مشایخی و سیدی (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان «راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی» به بررسی رابطه برخی از معیارهای مهم راهبری شرکتی؛ شامل درصد مالکیت نهادی، استقلال هیات مدیره و اندازه هیات مدیره؛ و اجتناب مالیاتی پرداختند. برای این منظور ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه بررسی ۱۲۲۷ سال- شرکت به صورت الگوی پنل نامتوازن؛ مبین آن است که رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد. علاوه بر این، رابطه منفی و معناداری بین متغیرهای کنترلی سودآوری و اندازه شرکت و همچنین رابطه مثبت و معناداری بین حسابرسی مالیاتی و اجتناب مالیاتی مشاهده گردید.

با توجه به سوالات پژوهش، فرضیه های تحقیق را می توان به صورت ذیل بیان داشت:

فرضیه اول: بین ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی مستقل بر رابطه بین ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی تأثیر

می گذارد.

### ۲- روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی و از حیث هدف، پژوهشی کاربردی است. پژوهش توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن توصیف کردن شرایط یا پدیده‌هایی مورد بررسی است. اجرای پژوهش توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری کردن به فرایند تصمیم‌گیری باشد. از آنجاکه در این پژوهش به منظور بررسی روابط بین متغیرها، از اطلاعات گذشته استفاده شده، در ردیف مطالعات پس رویدادی قرار می‌گیرد. در پژوهش پس رویدادی، داده‌ها از محیطی که به گونه‌ای طبیعی وجود داشته است و یا از وقایع گذشته که بدون دخالت سیستم پژوهشگر رخ داده است، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شوند؛ بنابراین امکان دست‌کاری متغیرها وجود ندارد.

#### ۳-۱- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی (۱۳۹۸-۱۳۹۲) می‌باشد.

در پژوهش حاضر، به منظور نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند، حذفی سیستماتیک استفاده شده است. در این روش ابتدا شرایطی جهت انتخاب نمونه تعریف می‌شود و نمونه‌های فاقد شرایط مذکور از نمونه حذف می‌گردند. این شرایط با توجه به مدل آزمون فرضیات و متغیرهای پژوهش تعیین می‌شود.

جدول ۱: انتخاب شرکت‌ها بر اساس حذف سیستماتیک

تعداد شرکت‌ها	شرح
۵۳۰	تعداد کل شرکتهای که تا پایان سال ۱۳۹۸ عضو بورس میباشند.
۷۶	شرکت‌های از نوع تامین کننده مالی، سرمایه گذاری و بیمه ای
۸۸	شرکت‌هایی که در طول ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ وقفه معاملاتی داشته باشند.
۹۹	شرکتهایی که سال مالی آنها پایان اسفندماه نباشد.
۷۳	داده‌های متغیرهای پژوهش برای شرکتهای مورد نظر قابل دسترس نباشد.
۸۷	شرکت‌های غیر تولیدی
۱۰۷	تعداد شرکتهای باقیمانده

### ۲-۳- روش‌ها و ابزار گردآوری اطلاعات:

در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. همچنین مبانی نظری تحقیق از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین گردآوری گردیده است. داده‌های مربوط به شرکت‌های نمونه از منابعی چون دنا سهم، ره‌آور نوین، سایت بورس و ... استخراج می‌شود.

### ۳-۳- مدل و نحوه اندازه‌گیری متغیرها

با توجه به این که این تحقیق از اطلاعات گذشته برای آزمون فرضیات استفاده می‌کند از نوع تحقیقات پس‌رویدادی است. تحقیق از لحاظ تئوریک از نوع تحقیقات اثباتی و از لحاظ استدلال از نوع استقرایی می‌باشد. از سوی دیگر این تحقیق از نوع تحقیقات شبه تجربی در حوزه تحقیقات مالی حسابداری می‌باشد. با توجه به فرضیه تحقیق، از مدل‌های رگرسیونی زیر جهت آزمون فرضیه استفاده می‌شود.

مدل فرضیه اول:

$$\text{Tax Avoidit}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{OWST}_{i,t} + \beta_2 \text{GRO}_{it} + \beta_3 \text{ROE}_{it} + \beta_4 \text{MB}_{it} + \beta_5 \text{SIZE}_{it} + \varepsilon_{it}$$

معادله ۱-۳

مدل فرضیه دوم:

$$\text{Tax Avoidit}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{OWST}_{i,t} + \beta_2 \text{IAQ}_{it} + \beta_3 (\text{OWST} * \text{IAQ})_{it} + \beta_4 \text{GRO}_{it} + \beta_5 \text{ROE}_{it} + \beta_6 \text{MB}_{it} + \beta_7 \text{SIZE}_{it} + \varepsilon_{it}$$

معادله ۱-۳

### ۴- تجزیه و تحلیل آماری

#### ۴-۱- آمار توصیفی

برای بررسی مشخصات عمومی و پایه‌ای متغیرها (سری‌ها) جهت برآورد و تخمین الگو (مدل) و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، برآورد آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. به وسیله این مشخصات می‌توان دیدی کلی در مورد مقادیر هر یک از متغیرها بدست آورد. میانگین داده‌ها نشان‌دهنده آن است که در صورت منظم کردن داده‌ها روی یک محور دقیقاً در نقطه تعاملی یا مرکز ثقل توزیع قرار می‌گیرد. میانگین نشان‌دهنده این است که ۵۰ درصد داده‌ها کمتر از عدد وسط و ۵۰ درصد داده‌ها بیشتر از عدد وسط مجموعه هستند. نزدیک بودن

اثر میانجی کیفیت حسابرس مستقل بر رابطه بین ساختار مالکیت

میانگین و میانه، تقارن داده ها را نشان می دهد. انحراف معیار و واریانس پراکندگی داده ها را نشان می دهد.

جدول ۲؛ آماره های توصیفی متغیرهای تحقیق

آماره	Tax Avoidit	OWST	IAQ	ROE	MB	GRO	SIZE
میانگین	۰,۰۸۷	۰,۲۶	۰,۲۵	۰,۲۳	۲,۲۹	۰,۱۷۴	۱۴,۰۴
میانه	۰,۰۰۱	۰,۲۱	۰,۰۰	۰,۲۱	۱,۹۵	۰,۱۶۷	۱۳,۷۹
بیشینه	۰,۹۳	۱	۱	۸,۸۶	۵,۳۸	۰,۸۳۶	۱۸,۴۱
کمینه	۰,۲۳	۰	۰	-۳,۸۷	۰,۵۱	-۰,۴۲۳	۱۰,۸۵
انحراف معیار	۰,۱۰۵	۰,۱۲	۰,۲۹	۰,۳۹	۱,۳۳	۰,۳۱۹	۱,۶۲
چولگی	۱,۶۹	۰,۶۵	۰,۵۹	۱,۰۸	۰,۷۸	۰,۱۴۳	۰,۵۶۹
کشیدگی	۳,۸۷	۱,۶۵	۰,۹۸	۰,۲۱۳	۰,۷۸	۰,۱۴۳	۲,۸۲
تعداد	۱۰۷	۱۰۷	۱۰۷	۱۰۷	۱۰۷	۱۰۷	۱۰۷
مشاهدات	۷۴۹	۷۴۹	۷۴۹	۷۴۹	۷۴۹	۷۴۹	۷۴۹

مهم ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال میانگین متغیر اجتناب مالیاتی برابر با ۰,۰۸۷ می باشد، که نشان می دهد بیشتر داده های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته اند.

همان گونه که در جدول بالا مشاهده می شود میانه متغیر ساختار مالکیت برابر با ۰,۲۱ می باشد که نشان می دهد نیمی از داده ها کم تر از این مقدار و نیمی دیگر بیش تر از این مقدار هستند. در آمار و احتمال، شاخص پراکندگی یک شاخص استاندارد شده برای سنجش میزان پراکندگی یک توزیع احتمال است. شاخص پراکندگی به صورت کسر واریانس بر میانگین تعریف می شود. شاخص پراکندگی فقط برای توزیع هایی تعریف شده است که میانگین غیر صفر داشته باشند و معمولاً برای متغیرهایی که همیشه مثبت هستند، مانند متغیر تصادفی نمایی، استفاده می شود. پارامترهای پراکندگی، به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم ترین پارامترهای

پراکندگی انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر کیفیت حسابرسی برابر ۰,۲۹ و برای متغیر اجتناب مالیاتی برابر ۰,۱۰۵ است. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. به عنوان مثال ضریب اندازه شرکت برابر با ۲,۸۲ می‌باشد، یعنی این متغیر چولگی به راست دارد و به این اندازه از مرکز تقارن انحراف دارد.

## ۲-۴- آماراستنباطی

### آزمون فرضیه اول

جدول ۳؛ تخمین مربوط به آزمون فرضیه اول

متغیرها	ضریب	آماره t	Prob	VIF
C	عدد ثابت	-۹۳.۲	۰,۰۰۳۶	-
OWST	ساختار مالکیت	-۲,۱۹	۰,۰۳۳۲	۳,۶۵
ROE	بازده حقوق صاحبان سهام	-۲,۱۲	۰,۰۴۸۷	۲,۲۶
MB	نسبت ارزش دفتری به ارزش سهام	-۲,۳۲	۰,۰۲۷۶	۱,۹۸
GRO	رشد درآمد فروش	۱,۵۳	۰,۱۶۰۷	۲,۰۹
SIZE	اندازه شرکت	۳,۳۹	۰,۰۰۱۰	۱,۵۷
آزمون های تشخیصی	F-statistic 12.98      Prob (F-statistic) 0.000 Durbin Watson 1.91      R-squared 0.44      Adjusted R-squared: 0.42			

ضرایب مدل رگرسیونی مندرج در جدول فوق نشان می‌دهد که یک ارتباط منفی بین اجتناب مالیاتی و ساختار مالکیت شرکت های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. به عبارت دیگر، ضریب مربوط به متغیر ساختار مالکیت که عدد ۰,۱۰- را نشان می‌دهد بیانگر این مطلب است که با افزایش یک واحدی در ساختار مالکیت می‌توان در اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۰,۱۰ درصد کاهش داشت. همچنین با توجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از ۵ درصد می‌باشد لذا این ارتباط قابل اطمینان و معنادار می‌باشد و می‌توان فرض نخست پژوهش را رد نمود. بنابراین بین اجتناب مالیاتی و ساختار مالکیت رابطه معنی دار وجود دارد.

برای بررسی مدل، معمولاً از معیارهای ضریب تعیین ( $R^2$ )، ضریب تعیین تعدیل شده ( $Adj. R^2$ ) و دوربین - واتسون (D-W) و برای بررسی معنی‌داری مدل نیز از آماره F استفاده می‌شود. همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر ۰,۴۴ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰,۴۲ می‌باشد و بدین معنی می‌باشد که قدرت توضیح دهنده و برازش مدل در سطح پایینی قرار دارد. ضریب تعیین تعدیل شده به این معناست که ۴۲ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق، توضیح داده می‌شوند. آماره دوربین - واتسون برابر با ۱,۹۱ می‌باشد، و با توجه به اینکه بازه ۱,۵ تا ۲,۵ نشان‌دهنده عدم وجود خود همبستگی از مرتبه اول می‌باشد، لذا خودهمبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد. آماره عامل تورم واریانس (VIF) میزان همخطی بین متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد و مقدار مجاز VIF کمتر از ۱۰ می‌باشد و از آنجایی که مقادیر جدول فوق، کمتر از ۱۰ می‌باشد، در نتیجه بین متغیرهای تحقیق، همخطی وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر ۱۲,۹۸ و مقدار احتمال آن نیز برابر ۰/۰۰ می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از سطح معنی‌دار (۵ درصد) است، لذا معنی‌داری مدل تأیید می‌شود.

### آزمون فرضیه دوم

جدول ۴؛ آماره F لیمر فرضیه دوم

نتیجه گیری	احتمال F	F	نتیجه آزمون چاو
واحدهای انفرادی همگن نیستند (روش اثرات ثابت FE)	۰,۰۰	۱۰,۱۹	فرض $H_0$ رد می‌شود

توجه به اینکه مقدار آماره آزمون F عدد تقریباً بزرگی می‌باشد (۱۰,۱۹) و بیشتر از کمیت بحرانی می‌باشد (همچنین مقدار ارزش احتمال نیز کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد) بنابراین فرضیه صفر به نفع فرضیه مقابل مبنی بر اینکه استفاده از روش FE مناسب است رد می‌شود.

جدول ۵؛ تخمین مربوط به آزمون فرضیه دوم

متغیرها	ضریب	آماره t	Prob	VIF
C	عدد ثابت	-۰,۳۲	۰,۰۰۹۸	-
OWST	ساختار مالکیت	-۰,۱۳	۰,۰۰۳۶	۳,۱۶

۲,۵۶	۰,۲۲۱	-۱,۳۱	-۰,۰۶	کیفیت حسابرسی	IAQ
۲,۰۵	۰,۰۰۶۷	-۲,۱۶	-۰,۱۹	اثر تعاملی	OWST* IAQ
۱,۷۹	۰,۳۰۲۳	-۱,۰۹	-۰,۰۵	بازده حقوق صاحبان سهام	ROE
۲,۴۷	۰,۰۰۵۷	-۲,۸۱	-۰,۰۱۱	نسبت ارزش دفتری به ارزش سهام	MB
۱,۹۸	۰,۲۲۴۳	۱,۲۸	۰,۰۰۸	رشد درآمد فروش	GRO
۱,۸۳	۰,۰۰۰۰	۶,۲۷	۰,۱۹	اندازه شرکت	SIZE
F-statistic 19.45 Prob (F-statistic) 0.000 Durbin Watson 1.93 R-squared 0.47 Adjusted R-squared: 0.44					آزمون های تشخیصی

در راستای بررسی فرضیه دوم مبنی بر تشدید رابطه بین اجتناب مالیاتی و ساختار مالکیت به هنگام وجود کیفیت حسابرسی، می توان نشان داد که اثر تعاملی ساختار مالکیت و کیفیت حسابرسی باعث تشدید رابطه بین اجتناب مالیاتی و مالکیت نهادی می گردد و از آنجا که سطح معنی داری متغیرتعاملی ساختار مالکیت و کیفیت حسابرسی کوچکتر از ۵ درصد می باشد؛ این رابطه معنی دار است. بنابراین کیفیت حسابرسی مستقل بر رابطه بین ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی تأثیر می گذارد.

برای بررسی مدل، معمولاً از معیارهای ضریب تعیین ( $R^2$ )، ضریب تعیین تعدیل شده ( $Adj. R^2$ ) و دوربین - واتسون ( $D-W$ ) و برای بررسی معنی داری مدل نیز از آماره  $F$  استفاده می شود. همانطور که در جدول (۱۲-۴) مشاهده می شود، مقدار ضریب تعیین برابر ۰,۴۷ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰,۴۴ می باشد و بدین معنی می باشد که قدرت توضیح دهندگی و برازش مدل در سطح پایینی قرار دارد. ضریب تعیین تعدیل شده به این معناست که ۴۴ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق، توضیح داده می شوند. آماره دوربین - واتسون برابر با ۱,۹۳ می باشد، و با توجه به اینکه بازه ۱/۵ تا ۲/۵ نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی از مرتبه اول می باشد، لذا خودهمبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد. آماره عامل تورم واریانس ( $VIF$ ) میزان همخطی بین متغیرهای تحقیق را نشان می دهد و مقدار مجاز  $VIF$  کمتر از ۱۰ می باشد و از آنجایی که مقادیر جدول فوق،



کمتر از ۱۰ می‌باشد، در نتیجه بین متغیرهای تحقیق، همخطی وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر ۱۹,۴۵ و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از سطح معنی‌دار (۵ درصد) است، لذا معنی‌داری مدل تأیید می‌شود

#### ۵- خلاصه نتایج فرضیه‌های تحقیق

هدف اصلی این تحقیق آن است تا تاثیر ساختار مالکیت و همچنین اثر تعاملی کیفیت حسابرس مستقل را بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نماید، بدین منظور، این پژوهش با استفاده از مفاهیم و تئوری‌های متنوع در زمینه اجتناب مالیاتی، ساختار مالکیت و کیفیت حسابرس سعی در برآورد رابطه سه متغیر فوق بر حسب مدل تحقیق نماید.

در بخش اول، فرضیه اول مورد آزمون قرار گرفت. فرضیه اول بیان می‌دارد که بین اجتناب مالیاتی و ساختار مالکیت رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج بدست آمده حاکی از تأیید فرضیه اول می‌باشد. ضرایب مدل رگرسیونی مدل فرضیه اول نشان می‌دهد که یک ارتباط منفی بین اجتناب مالیاتی و ساختار مالکیت شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. به عبارت دیگر، ضریب مربوط به متغیر ساختار مالکیت که عدد ۰,۱۰- را نشان می‌دهد بیانگر این مطلب است که با افزایش یک واحدی در ساختار مالکیت می‌توان در اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۰,۱۰ درصد کاهش داشت. همچنین با توجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از ۵ درصد می‌باشد لذا این ارتباط قابل اطمینان و معنادار می‌باشد و می‌توان فرض نخست (نقیض فرضیه اصلی) پژوهش را رد نمود. بنابراین بین اجتناب مالیاتی و ساختار مالکیت رابطه معنی‌دار وجود دارد.

در راستای بررسی فرضیه دوم مبنی بر تشدید رابطه بین اجتناب مالیاتی و ساختار مالکیت به هنگام وجود کیفیت حسابرسی، می‌توان نشان داد که اثر تعاملی ساختار مالکیت و کیفیت حسابرسی می‌تواند باعث تشدید رابطه بین اجتناب مالیاتی و ساختار مالکیت گردد و از آنجایی که سطح معنی‌داری متغیرتعاملی ساختار مالکیت و کیفیت حسابرسی کوچکتر از ۵ درصد می‌باشد؛ فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر تشدید رابطه

بین اجتناب مالیاتی و ساختار مالکیت به وسیله کیفیت حسابرسی تأیید می شود که برخلاف نتایج تحقیق گوانتر و همکاران (۲۰۱۴) است.

نتیجه تحقیق حاضر، با نتیجه تحقیق گلستانی و همکاران (۱۳۹۳)؛ سازگار و با نتایج تحقیق گوانتر و همکاران (۲۰۱۴) ناسازگار است. اگرچه ممکن است به نظر برسد، شرکتی که پرداخت مالیات خود را کاهش می دهد درگیر در یک فعالیت پرخطر می باشد اما قوانین مالیاتی، قوانینی را در بر می گیرد که عملیات مطالعات مالیاتی را برای انواع معاملات ارائه می دهد. در بسیاری از این موارد، قوانین مالیاتی کاملاً واضح است و شرکتها می توانند از مالیات کنونی خود بدون افزایش ریسک پرداخت مالیات در آینده با جریمه بکاهند.

#### ۶- منابع

پورحیدری امید، برهانی نژاد سعیده، (۱۳۹۱)، بررسی تاثیر خصوصیات اصول راهبری شرکت ها بر مدیریت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابرسی، ۱۱(۴۹).

پورحیدری امید؛ فدوی محمدحسن؛ امینی نیا میثم، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۴(۱)، ۸۵-۶۹.

پورزمانی، زهرا؛ شمسی جامخانه، ابوالقاسم؛ (۱۳۸۸)، بررسی دلایل اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابزاری شرکتهای بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیص توسط واحدهای مالیاتی (مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی غرب تهران)، پژوهشنامه مالیات، (۵۳)، ۲۶-۹.

توانگر، افسانه، خسرویانی، مهدی، (۱۳۹۰)، آزمون توان مدل D-CAPM با مدل CAPM در تبیین ارتباط بین ریسک و بازده، مجله دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، (۹).

جم، فرهاد. (۱۳۷۹). "رفتار حرفه ای مشاوران مالیاتی: اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی" مجله حسابرسی، ۶: ۴۱-۴۳.

جهانخانی، علی، عبده تبریزی، حسین، (۱۳۷۳)، نظریه های بازار کارای سرمایه، تحقیقات مالی، (۱)، ۱۷-۸.

- حساس یگانه یحیی ، گل محمدی شورکی مجتبی ، (۱۳۹۱)، رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی های شرکت ها، فصلنامه پژوهش مالیات. ۹
- حسنی محسن ، شفیعی سعیده ، (۱۳۸۸)، تخمین نرخ مؤثر مالیاتی در پایه های مشاغل و اشخاص حقوقی، پژوهشنامه مالیات، (۸).
- حقیقت، حمید، محمدی، محمدحسن، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی با کیفیت افشا و ارزش شرکت، مطالعات کمی در مدیریت، (۱)، ۲۰۹-۲۲۸.
- خانی عبدالله، ایمانی کریم، ملایی مهنام، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.
- خدای پور احمد ، روستایی شکوفه، (۱۳۹۳)، بررسی ارتباط بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با اجتناب از مالیات، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۳(۱۰)، ۳۵-۴۶.
- دشتی، حسن، (۱۳۹۳)، تأثیر ساختارهای مختلف مالکیت و نرخ مؤثر مالیات بر ساختار سرمایه، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- راعی، رضا (۱۳۷۷) ، "طراحی مدل سرمایه گذاری مناسب در سبد سهام با استفاده از هوش مصنوعی (شبکه- های عصبی)"، پایان نامه دوره دکتری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- راعی، رضا و احمد تلنگی (۱۳۸۳) ، "مدیریت سرمایه گذاری پیشرفته"، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- زهی، نقی، محمدخانلی، شهرزاد، (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)، پژوهشنامه مالیات، ۱۸(۹)، ۲۵-۶۰.
- سعیدی، پرویز، کلامی، عبالحکیم، (۱۳۸۸)، تأثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد شرکت ها بر سرمایه گذاری شرکت های تولیدی، فصلنامه مدیریت صنعتی، (۸).
- فاریابی، سمانه، ملکیان، اسفندیار، برزگر، قدرت اله، (۱۳۹۴)، بررسی ارتباط بین سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت و گریز از مالیات (شرکتهای پذیرفته شده در بوری اوراق بهادار تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه مازندران.

فروغی، داریوش، محمدی، شکوفه، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و سطح نگهداشت وجه نقد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *پژوهشنامه مالیات*، (۲۰)، ۱۰۱-۱۲۲.

قربانی بهزاد، خطیری محمد، (۱۳۹۳)، روند بازده غیر متعارف سهام و نوسان آن در طول زمان. *فصلنامه حسابداری مالی*; ۶ (۲۱): ۱۱۰-۱۲۸.

گرجی زاده، داوود، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین ریسک سیستماتیک و رشد سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

گلستانی شهرام، دلداری مصطفی، سیدی سیدجلال، جعفری شورچه سیدحیب. (۱۳۹۳)، رابطه نرخ مؤثر مالیاتی با سیاست تقسیم سود و بازده سهام در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. ۲۲ (۷۰): ۱۸۱-۲۰۴.

مشایخی، بیتا، سیدی، سیدجلال، (۱۳۹۴)، راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، *دانش حسابداری*، ۶، ۸۳-۱۰۳.

مهرانی، ساسان، سیدی، سیدجلال، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه-کاری بر اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده، *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۳ (۱۰)، ۱۳-۳۳.

- Allingham, Michael G. and A. Sandmo. (1972), "Income tax evasion: A theoretical analysis". *Journal of Public Economics*, 1: 323-338.
- Armstrong Christopher S. ,Jennifer L. Blouin ,Alan D. Jagolinzer , David F. Larcker, (2015), Corporate governance, incentives, and tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics*, 1 (60), 1-17.
- Armstrong, C.S., J.L. Blouin, and D.F. Larcker. (2010). The incentives for tax planning. Working, Paper, SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1416422>.
- Atwood, T., Drake, M. S., & Myers, L. A. (2010). Book-tax conformity, earnings persistence and the association between earnings and future cash flows. *Journal of Accounting and Economics*, 50(1), 111-125.
- Blaylock, B., Shevlin, T., & Wilson, R. J. (2011). Tax avoidance, large positive temporary book-tax differences, and earnings persistence. *The Accounting Review*, 87(1), 91-120
- Brandt, M., Brav, A., Graham, J., Kumar, A., 2010. The idiosyncratic volatility puzzle: time trend or speculative episodes? *Review of Financial Studies*, 23 (2):863-899.

- Brown, G., and N. Kapadia, 2007. Firm-Specific Risk and Equity Market Development. *Journal of Financial Economics*, 84: 358–388.
- Campbell, J.Y., Lettau, M., Malkiel, B.G., Xu, Y., 2001. Have individual stocks become more volatile? An empirical exploration of idiosyncratic risk. *Journal of Finance*, 56: 1–43
- Cao, C., T. Simin, and J. Zhao, 2008 .Can Growth Options Explain the Trend in Idiosyncratic Risk? *Review of Financial Studies* 21: 2599–2633.
- Chen, C., Huang, A.G., Jha, R., 2010. Idiosyncratic return volatility, economic activity, and managerial discretion. Working Paper, University of Waterloo
- Chen, C., Huang, A.G., Jha, R., 2012. Idiosyncratic return volatility, economic activity, and managerial discretion. *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 47, 873-899
- Desai, M., Dharmapala, S. (2009), Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *The Review of Economics and Statistics*, 91 (3): 537-546.
- Desai, M.A., Dharmapala, D (2006). Corporate Tax Avoidance and High Powered Incentives. *Journal of Financial Economics*, 79, 145–179.
- Dhaliwal , D., Huang, S., Moser, W., & Pereir, R. (2011), Corporate Tax Avoidance and the Level and Valuation of Firm Cash Holdings. Working paper
- Dyreg, S., Hanlon, M., Maydew, E. (2010), Long-Run Corporate Tax Avoidance. *The Accounting Review*. 83: 61-82.
- Fama, E., French, K., 1993. Common risk factors in the returns on stocks and bonds. *Journal of Financial Economics*, 33: pp 3– 56.
- Fischer, Jordan, (1991), *Security Analysis and Portfolio Management*, PrenticeHall
- Gleason, C., and L. F. Mills, Materiality and Contingent Tax Liability Reporting. *The Accounting Review*, 77,2002. 317-342
- Graham, J.R., Tucker, A (2005). Tax Shelters and Corporate Debt Policy. *Journal of Financial Economics*. 80, 563–594.
- Guenther, D. A., Matsunaga, S. R., & Williams, B. M. (2013). Tax avoidance, tax aggressiveness, tax risk and firm risk. Available at <http://accountancy.smu.edu.sg/webform-soar/121031>
- Guenther, D. A., Matsunaga, S. R., & Williams, B. M. (2014). Tax avoidance, Tax Risk and Firm Risk. Available at <http://ssrn.com/abstract=2153187> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2153187>
- Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2), 127-178.
- Jensen, M.,Meckling, W. (1976). “Theory of the firm: managerial behavior ,agency costs and ownership structure” *Journal of Financial Economics*, 3 : 305–360.
- Kalimipalli,M., Nayak, S.,2012. Idiosyncratic volatility vs. liquidity? Evidence from the US corporate bond market. *Journal of Financial Intermediation*, 21, 217-242.
- Leledakis, G., Davidson, I., & Smith, J. (2004). Does Firm Size Predict Stock Returns? Evidence from the London Stock Exchange. Paper presented at the EFMA, 2004 Basel Meetings Paper.

- Levy, R. A. (1974), "Beta Coefficients as Predictors of Returns", *Financial Analysts Journal*, (30).
- Mills, L. F, Book-tax differences and internal revenue service adjustments, *Journal of Accounting Research* 36, 1998. 343-356
- Pasternak, M., Rico, C (2008). Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis. *Akron Tax Journal*, 33.
- Phillips, J., (2003). "Corporate tax-planning effectiveness: the role of compensation-based incentives". *The Accounting Review* 78, 847– 874
- Rajgopal, S., M. Venkatachalam, 2011. Financial reporting quality and idiosyncratic return volatility. *Journal of Accounting and Economics*, 51: pp 1–20. 15) Verriest, A., 2009. What Determines Change in Financial Reporting Quality? Job Market Paper.
- Rego, S. O. (2013). Tax-avoidance Activities of U.S. Multinational Corporation Contemporary. *Accounting Research*, 20: 805-833
- Robbins, Stephen p. (2005). *Organizational Behavior*. New Delhi: Prentice Hall of India.
- Samih Azar, (2011), Retesting The CCAPM Euler Equations, *International Journal of Managerial finance*, 7 (4), 324-346.
- Shackelford, D., Shevlin, T. (2001). "Empirical tax research in accounting", *Journal of Accounting and Economics*, 31. 321–387
- Wei, S.X., Zhang, C., 2006. Why did individual stocks become more volatile? *Journal of Business*, 79: pp 259–292
- Wilson, R. J. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The Accounting Review*, 84(3), 969-999
- Xiaohang . W, Tax Avoidance, Corporate Transparency, and Firm Value. 2010. [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
- Xu, Y., Malkiel, B.G., 2003. Investigating the behavior of idiosyncratic volatility. *Journal of Business*, 76: pp 613–446
- Zafar, N., Urooj, S. F., & Durrani, T. K. (2008). Interest rate volatility and stock return and volatility. *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, 14, 135-140.
- Zemzem, A., & Ftouhi, K. (2013). The Effects of Board of Directors' Characteristics on Tax Aggressiveness. *Research Journal of Finance and Accounting*, 4(4), 140-147.
- Zemzem, A., & Ftouhi, K. (2013). The Effects of Board of Directors' Characteristics on Tax Aggressiveness. *Research Journal of Finance and Accounting*, 4(4), 140-147.
- Zhang, C. 2010. A Re-examination of the Causes of Time-Varying Stock Return Volatilities. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 45: pp 663–684